

جارودیه

ابوالجارود، آورده که از بدو تولد نابینا بوده است. نجاشی (همانجا) ابوالجارود را از امامیان کوفی نسب دانسته و گفته که وی از شاگردان ابوجعفر محمدبن علی علیه‌السلام بوده است. نجاشی همچنین روایاتی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است.

ابوالجارود در قیام زیدبن علی (۱۲۲) از جمله همراهان او بوده که نشان‌دهنده تغییر عقیده ابوالجارود از امامیه به زیدیه است (همانجا). نجاشی (همانجا)، به نقل از ابوالعباس بن نوح، از محمدبن اسماعیل بخاری آورده که ابوالجارود به ثقفی ملقب بوده و از عطیة بن سعد عوفی (متوفی ۱۱۱) حدیث شنیده و از امام باقر علیه‌السلام نیز روایت نقل کرده است. همچنین مروان بن معاویه و علی بن هاشم بن برید از ابوالجارود روایت نقل کرده‌اند که بخاری در *التاریخ الکبیر* (ج ۳، ص ۳۷۱) و *التاریخ الصغیر* (ج ۲، ص ۱۳۷) به آن اشاره کرده است.

شیخ طوسی (۱۳۸۰، ص ۱۲۲) ابوالجارود را فردی تابعی و زیدی معرفی کرده و گفته که فرقه جارودیه به وی منتسب است. در منابع، نسب ابوالجارود به صورتهای مختلف، از جمله حوفی (طوسی، همانجا؛ ابن داوود حلّی، ص ۲۴۶) و حرقی و خارقی (ابن داوود حلّی، همانجا)، آمده که جملگی تصحیف خارقنی است؛ زیرا ابوالجارود از تیره خازف قبیله همدان بوده است (نجاشی، همانجا؛ نیز به سمعانی، ج ۲، ص ۳۰۵).

تاریخ تولد و وفات ابوالجارود در منابع مشخص نشده ولی با توجه به تاریخ وفات برخی از مشایخ وی، همچون حسن بصری (متوفی ۱۱۰)، اصبح بن ثباته (متوفی نیمه اول قرن دوم) و ابویزید بُزید بن عبدالله اشعری (متوفی نیمه اول قرن دوم؛ به مزنی، ج ۹، ص ۵۱۷)، احتمالاً قبل از سال ۸۰ به دنیا آمده است. ابوالجارود از ابوظقیل عامر بن واثله صحابی (متوفی ۱۰۰ یا ۱۱۰) نیز روایت نقل کرده (ذهبی، حوادث و وفیات ۱۴۱-۱۶۰ هـ، ص ۱۴۱) که ظاهراً بر همین اساس، شیخ طوسی (۱۳۸۰، همانجا) او را از تابعین شمرده است. ذهی (حوادث و وفیات ۱۴۱-۱۶۰ هـ، ص ۱۴۰-۱۴۱) ابوالجارود را از جمله درگذشتگان بین ۱۴۰ تا ۱۵۰ ذکر کرده است. مزنی (ج ۹، ص ۵۱۷-۵۱۸) فهرست کاملی از مشایخ و راویان ابوالجارود را آورده است.

در منابع رجالی اهل سنت، اقوال متعددی در جرح ابوالجارود آمده که ظاهراً به سبب زیدی بودن اوست (به ابن عدی، ج ۳، ص ۱۸۹؛ مزنی، ج ۹، ص ۵۱۸-۵۱۹). گزارشهای موجود در باره جارودیه در آثار کلامی و کتابهای ملل و نحل به دو دسته تقسیم می‌شود. نخست، گزارشی است که سعدبن عبدالله اشعری (متوفی ۲۹۹ یا ۳۰۱) در کتاب *المقاتلات والفرق* (ص ۷۱-۷۳) آورده، که با کاستیهایی در کتاب

چاپ عبدالسلام محمدهارون، قاهره [۱۹۸۲]: ابن سعد (لیدن): ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، چاپ علی شیری، بیروت ۱۲۱۵-۱۲۲۱/۱۹۹۵-۲۰۰۰؛ ابن قتیبه، کتاب المعارف، چاپ ثروت عکاشه، قاهره ۱۹۶۹؛ ابن کثیر، السیرة النبویة، چاپ مصطفی عبدالواحد، قاهره ۱۳۸۳-۱۳۸۶/۱۹۶۴-۱۹۶۶، چاپ انست بیروت [بی تا]: ابن ماکولا، الاکمال فی رفع الارتیاب عن المؤلف و المختلف من الاسماء و الکنی و الانساب، چاپ عبدالرحمان بن یحیی معلمی یمانی، حیدرآباد دکن ۱۳۸۱-۱۴۰۶/۱۹۶۲-۱۹۸۶؛ ابن هشام، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ایاری، و عبدالحفیظ شلی، قاهره ۱۳۵۵/۱۹۶۳؛ احمدبن عبدالله ابونعیم، معرفة الصحابة، چاپ محمد راضی بن حاج عثمان، ریاض ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ محمدبن اسماعیل بخاری، کتاب التاریخ الکبیر، [بیروت؟ ۱۴۰۷/۱۹۸۶]؛ بلاذری (لیدن): تستری؛ خلیفة بن خیاط، تاریخ خلیفة بن خیاط، روایة بقی بن مخلد، چاپ سبیل زکار، دمشق ۱۹۶۷-۱۹۶۸ هـ، کتاب الطبقات، روایة موسی بن زکریا تستری، چاپ اکرم ضیا، عمری، بغداد [۱۹۶۷]؛ محمدبن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، چاپ عمر عبدالسلام تدمری، حوادث و وفیات ۱۱-۵۴۰ هـ، بیروت ۱۴۱۷/۱۹۹۷؛ سمعانی؛ محمدبن یوسف شمس شامی، سبیل الیهدی و الرشاد فی سیرة خیرالعباد، چاپ عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳؛ صفدی؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ محمدبن حسن طوسی، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۳۱۵؛ علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغة، چاپ صبحی صالح، قاهره ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ محمدبن محمد مفید، الجمل و النصر لسید العتره فی حرب البصرة، چاپ علی میرشریفی، قم ۱۳۷۴ هـ؛ محمدبن عمر واقدی، کتاب الزدة، چاپ محمود عبدالله ابوالخیر، عمان [؟ ۱۴۱۱/۱۹۹۱]؛ آرنتیان ونیتک، المعجم المنهرس لالفاظ الحدیث النبوی، استانبول ۱۹۸۸؛ یعقوبی، تاریخ.

/ محمدرضا ناجی /

جارودیه، یکی از شاخه‌های زیدیه در قرن دوم و سوم.

این فرقه به نام برجسته‌ترین فرد آن، ابوالجارود زیادبن سُندَر، مشهور است.

در منابع رجالی امامیه، اطلاعات اندکی درباره ابوالجارود آمده است. محمدبن عمر کثی (قرن چهارم)، قدیم‌ترین رجالی امامیه، درباره ابوالجارود اطلاعاتی آورده است (ص ۲۲۹-۲۳۱). به نوشته کثی (ص ۲۲۹)، ابوالجارود به سَرخُوب مشهور بود. کثی، سرخوب را به معنای شیطانی کور و ساکن در دریا دانسته و گفته که این لقب را امام باقر علیه‌السلام بر وی نهاده است. کثی همچنین روایاتی در ذم ابوالجارود، به نقل از امام صادق علیه‌السلام، آورده است (ص ۲۳۰-۲۳۱؛ نیز به ابن ندیم، ص ۲۲۶-۲۲۷). نجاشی (متوفی ۴۵۰؛ ص ۱۷۰) اطلاعات دقیق‌تری در باره ابوالجارود داده و لقب او را همدانی خازفی ذکر کرده است و در خبری به نقل از محمدبن سنان از

فرق الشیعه منسوب به حسن بن موسی نوبختی (ص ۵۴-۵۸) نیز آمده است. این گزارش همانندی فراوانی با روایت مؤلف کتاب *اصول النحل* (س مسائل الامامة، ص ۴۲-۴۳) درباره جارودیه دارد که ظاهراً تألیف جعفر بن حرب (متوفی ۲۳۶) است (س مادلونگ^۱، ۱۹۸۰، ص ۲۲۰-۲۳۶). گزارش جعفر بن حرب، به نقل از جمعی از مشایخ شیعه است (س ادامه مقاله). دسته دوم، گزارشی درباره این فرقه است که ابوالقاسم بلخی (متوفی ۳۱۹؛ س قاضی عبدالجبار بن احمد، ج ۲۰، ص ۲، ص ۱۸۴-۱۸۵، به نقل از بلخی، کتاب المقالات)، ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (متوفی ۳۳۴؛ ص ۶۶-۶۷)، ابن حزم (متوفی ۴۵۶؛ ج ۵، ص ۳۵) و احمد بن یحیی مشهور به ابن مرتضی (متوفی ۸۴۰؛ ص ۹۷) آورده‌اند. ابوسعید نشوان بن سعید جیمیری (متوفی ۵۷۳؛ ص ۱۵۵-۱۵۶) نیز گزارش بلخی را عیناً نقل کرده است. در میان این پنج گزارش، روایت ابن مرتضی با وجود اختصار اهمیت فراوانی دارد. ابن مرتضی (همانجا) به این مطلب اشاره کرده که روایت خود را از محمد بن هارون مشهور به ابوعیسی وراق (متوفی بعد از ۲۴۷) گرفته است. نجاشی (ص ۳۷۲) از ابوعیسی وراق یاد کرده و از آثار وی به کتابهای الامامة، کتاب اختلاف الشیعة، و المقالات اشاره کرده است که با توجه به موضوع آنها، این مطالب، ظاهراً برگرفته از یکی از این آثار است. بر اساس گزارش ابوعیسی وراق - که ابوالحسن اشعری (همانجا) و بلخی (س قاضی عبدالجبار بن احمد، همانجا) بدون تصریح به نام او، آن را نقل کرده‌اند - جارودیه معتقد بوده‌اند که پیامبر اکرم، علی علیه السلام را با ذکر اوصاف، بدون تصریح به اسم، به امامت منصوب کرده است. البته جارودیه معتقد بودند که این صفات، تنها اختصاص به علی علیه السلام داشته است و بر این اساس جارودیه، نپذیرفتن و انتخاب نکردن علی علیه السلام را به امامت بعد از پیامبر، موجب کفر و ضلالت دانسته‌اند. جارودیه همچنین معتقد به وجود نصی مشابه درباره امام حسن و امام حسین علیهما السلام بوده‌اند. جارودیه قائل بودند که بعد از این سه تن، نصی بر امامت هیچ علوی وجود ندارد، ولی امامت را محدود به فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌دانستند. جارودیه، همچون دیگر زیدیان، بر این باور بودند که هر علوی صحیح‌النسب از فرزندان امام حسن و امام حسین، که عالم و زاهد و شجاع باشد، اگر قیام کند و مردم را به خود دعوت نماید، امام خواهد بود.

ابوعیسی وراق در ادامه گزارش خود، دیدگاههای جارودیه را درباره مهدویت به سه دسته تقسیم کرده است: کسانی که به

مهدویت و رجعت محمد بن عبدالله نفس زکیه (متوفی ۱۴۵) اعتقاد داشته‌اند؛ معتقدان به مهدویت محمد بن قاسم طالقانی (متوفی ۲۱۹)؛ و کسانی که یحیی بن عمر را قائم می‌دانستند و منتظر رجعت وی بودند (علی بن اسماعیل اشعری؛ قاضی عبدالجبار بن احمد، همانجاها).

دیگر نویسندگان ملل و نحل، چون عبدالقاهر بغدادی (ص ۳۰-۳۲) و مؤلف تبصرة العوام (ص ۱۸۵-۱۸۶) و شهرستانی (ج ۲، ص ۱۵۷-۱۵۹)، با تفاوتی این مطالب را نقل کرده‌اند. مسعودی (ج ۴، ص ۴۵) نیز به نقل از ابوعیسی وراق، درباره جارودیه و عقیده آنان درباره محدود بودن امامت میان فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام، مطالب مختصری آورده است.

ابوسعید نشوان بن سعید حمیری (ص ۱۵۶-۱۵۷)، بعد از نقل روایت ابوعیسی وراق از طریق ابوالقاسم بلخی، درباره فرقه حسینیه (پیروان قاسم بن علی عیانی، متوفی ۲۹۳)، گزارشی آورده و به دلیل اعتقاد پیروان عیانی به رجعت او، آنها را نیز دسته‌ای از جارودیه دانسته است، اما این نحله ارتباطی با جارودیه ندارند. ابوالقاسم بلخی (س قاضی عبدالجبار بن احمد، ج ۲۰، ص ۲، ص ۱۸۵) در ادامه گزارش خود، به نقل از منبعی که احتمالاً همان وراق بوده، به اعتقاد ابوالجارود درباره رجعت اشاره کرده است، هر چند برخی اصحاب ابوالجارود این عقیده را نداشته‌اند، چنانکه ابوالحسین خیاط (ص ۱۹۸) از پذیرفته نشدن این عقیده در میان جارودیه سخن گفته است.

بلخی (س قاضی عبدالجبار بن احمد، همانجا) همچنین به گروهی از زیدیه که پیروان فردی به نام صباح بن قاسم مری (مزی؟) بوده‌اند، اشاره کرده و گفته است آنها عقابدی همچون جارودیه داشته‌اند و تنها اختلافشان با جارودیه دیدگاه آنها درباره ابوبکر و عمر بوده است.

گزارش ظاهراً مستقل دیگری که درباره جارودیه در کتاب *اصول النحل* (س مسائل الامامة، ص ۴۲-۴۳) آمده، احتمالاً برگرفته از منبع مشترکی است که سعد بن عبدالله اشعری نیز گزارش خود را درباره جارودیه از آن نقل کرده است (س ادامه مقاله). درباره مؤلف این اثر اختلاف نظر وجود دارد؛ یوزف فان اس^۲ آن را با عنوان *مسائل الامامة* و منسوب ناشیء اکبر (متوفی ۲۹۳) به چاپ رساند ولی مادلونگ (۱۹۸۰، ص ۲۲۰-۲۳۶) آن را تألیف جعفر بن حرب و نام آن را *اصول النحل* دانسته است. اما عبارتی در کتاب *اصول النحل* هست که به تألیف این اثر در زمانی کهن‌تر دلالت دارد (س مسائل الامامة، ص ۴۸). گزارش کتاب *اصول النحل* با توصیف جارودیه در

قمی (زنده در ۳۰۷؛ ج ۱، ص ۱۱۰، ۲۰۶، ۲۳۰، ۲۷۰) چند روایت از ابوالجارود با سلسله سند طوسی و نجاشی آمده و در موارد متعدد دیگری تنها با ذکر «وفی روایة ابی الجارود» (ص ۱، ج ۱، ص ۱۲۷، ۲۰۵، ۲۳۲، ۲۵۰، ۲۷۸، ۲۸۲، ۳۰۵، ۳۵۹، ج ۲، ص ۱۴، ۲۰، ۱۶۸) از تفسیر ابوالجارود مطالبی نقل شده است. ظاهراً این روایات را ابوالفضل عباس بن محمد بن قاسم بن حمزه بن موسی بن جعفر، شاگرد قمی، به تفسیر افزوده است (آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۳۰۳-۳۰۴؛ قس تفسیر علی بن ابراهیم قمی^۵).

علی بن ابراهیم قمی به نقل از پدرش ابراهیم بن هاشم قمی خیری از ابوالجارود از طریق صفوان بن یحیی بَجَلِی (متوفی ۲۱۰) و خبری از ظریف بن ناصح به روایت از عبدالصمد بن بشیر از ابوالجارود نیز آورده است (ص ۱، ج ۱، ص ۱۱۷، ۲۱۵). در تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی (ص ۷۹، ۱۱۹، ۱۵۱، ۱۸۶، ۲۴۶، ۲۷۷، ۳۴۷، ۴۱۹، ۵۳۴) نیز روایاتی تفسیری از ابوالجارود نقل شده که سلسله سندهای متفاوتی دارد که نشان‌دهنده تداول روایات تفسیری ابوالجارود در میان محافل امامی - زیدی کوفه است. روایات تفسیری ابوالجارود در بر دارنده برخی آرای اوست. ابوالجارود در مخالفت با معتزله و نظریات آنها، روایاتی نقل کرده است (ص ۱، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۳).

از ویژگیهای تفسیری ابوالجارود توجه فراوان به اسباب نزول است (ص همان، ج ۱، ص ۳۹۱، ج ۲، ص ۲۹). ابن بابویه (متوفی ۳۸۱؛ ۱۳۹۸، ص ۲۳۶؛ همو، ۱۴۱۷، ص ۳۹۴-۳۹۵) دو روایت از تفسیر ابوالجارود آورده است به روایت از محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی (زنده در ۳۴۹) از ابن عقده با همان سلسله سندی که نجاشی و طوسی یاد کرده‌اند. حَسْكَانِی (متوفی ۴۹۰؛ ج ۱، ص ۲۵۴، ۳۶۶، ۳۸۸، ۴۰۹، ۵۶۹، ج ۲، ص ۷۱، ۲۸۴) نیز روایاتی از ابوالجارود نقل کرده که اسناد آن با آنچه در محافل امامی و زیدی رواج داشته، متفاوت است.

در مورد دیگر اثر ابوالجارود، یعنی اصل، شیخ طوسی (۱۴۲۰، ص ۲۰۳) به طریق خود در روایت این کتاب اشاره کرده است (نیز ص ۱۶۶-۱۶۸).

نام ابوالجارود در متون حدیثی امامیه در سلسله اسناد بعضی احادیث آمده است. از جمله این روایات، حدیث مُنَاشِدَةُ امام علی علیه السلام در شورای تعیین شده از سوی خلیفه دوم (ص ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۵۳-۵۶۳) و حدیث غدیر خم (ص عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۴) است. ابن بابویه در کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ النَّقِيه (ج ۱، ص ۱۵۲، ۲۵۳، ۲۶۰، ج ۳، ص ۵۳۴، ج ۴، ص ۱۷۱) روایاتی از ابوالجارود نقل کرده و در بخش مُشِيخَه (همان، ج ۴، ص ۴۴۶-۴۴۷)، طریق خود را در روایت از وی ارائه کرده است. در منابع زیدی (همچون زَأْبُ السُّدَعِ

کتاب سعد بن عبدالله اشعری (ص ۷۱-۷۲) همانند یبایی دارد و با صرف نظر از برخی جزئیات، می توان مطالب سعد بن عبدالله را تفصیل یافته خبر اصول النحل دانست. در کتاب اصول النحل، منبع خبر جماعتی از مشایخ و علمای شیعه ذکر شده است. با آنکه سعد بن عبدالله اشعری تصریح با اشاره نکرده که مطالب خود را درباره جارودیه از منبعی کهن گرفته، نحوه گزارش وی نشان می دهد که آن را از اثری قدیمی اخذ کرده است. مادلونگ (۱۳۶۸ ش، ص ۶۳-۶۴) این منبع را کتاب اختلاف الناس فی الامامة نوشته هشام بن حکم (متوفی ۱۷۹) می داند، ولی شواهدی در کتاب سعد بن عبدالله دلالت بر این دارد که از کتابی در مثل و نحل تألیف یونس بن عبدالرحمان قمی (متوفی ۲۰۹) استفاده کرده است (برای اطلاع بیشتر ص ۶۸-۶۹، ۷۳-۷۴).

به گزارش مؤلف اصول النحل (ص مسائل الامامة، ص ۴۲-۴۳) جارودیه به وجود نصی بر امامت حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام از سوی پیامبر اعتقاد داشته‌اند. پس از این سه تن، منکر وجود نص بر امامت فردی بوده و اعتقاد داشته‌اند که امامت از فرزندان فاطمه سلام الله علیها خارج نخواهد شد. جارودیه شرط پذیرش دعوی امامت را تنها خروج و قیام می دانستند و از دو خلیفه نخست برائت می جستند و آنها را به دلیل کنار نهادن علی علیه السلام و غضب خلافت وی، کافر می شمردند. ابوالجارود معتقد بوده که امام به همه آنچه مورد نیاز است، علم دارد و علویان همه مستعد داشتن چنین علمی اند و صرف رسیدن به بلوغ سنی، موجب حصول این فضیلت در میان آنان خواهد شد. وی معتقد به الهام به امام بود و می گفت که علوم در مواجهه با حوادث جدید به امام الهام می شود (همانجا؛ سعد بن عبدالله اشعری، همانجا).

شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰) از آثار ابوالجارود به کتاب اصل و کتاب التفسیر عن ابی جعفر الباقر علیه السلام اشاره کرده (۱۴۲۰، ص ۲۰۳) در حالی که نجاشی (ص ۱۷۰) تنها از کتاب تفسیر القرآن ابوالجارود، به روایت از امام باقر علیه السلام، نام برده است. این مجموعه روایات تفسیری، مشهور بوده و این ندیم نیز (ص ۳۶) به آن اشاره کرده است. نجاشی (همانجا) و طوسی (۱۴۲۰، ص ۲۰۳-۲۰۴)، با تفاوتی اندک، سلسله سند مشابهی در روایت تفسیر ابوالجارود آورده‌اند (نیز ص مدرسی طباطبائی، دفتر ۱، ص ۱۶۴-۱۶۶). ابوالجارود در این تفسیر، روایات تفسیری امام باقر علیه السلام را گردآوری کرده است. احمد بن محمد بن سعید، مشهور به ابن عقده (متوفی ۳۳۳)، تفسیر ابوالجارود را از جعفر بن عبدالله محمدی (زنده در ۲۶۸) به روایت او از ابوسهل کثیر بن عیاش قطان، شاگرد ابوالجارود، روایت کرده است. در تفسیر علی بن ابراهیم

احمد بن عیسی بن زید متوفی ۲۴۷، تدوین محمد بن منصور مرادی متوفی ۲۹۴)، روایات فراوانی از کتاب اصل ابوالجارود با اسناد مختلفی نقل شده و این روایات به نقل از یحیی بن سالم (ج ۲، ص ۷۰۹)، ابوعلی قطنان (ج ۱، ص ۴۷۱، ج ۲، ص ۹۱۳)، عبدالله بن نمیر (ج ۲، ص ۸۲۱) و محمد بن بکر ازحبی (ج ۱، ص ۴۷، ۴۹، ۵۵، ۵۸) است. بخش اعظم این روایات از امام باقر علیه السلام نقل شده است و بیشتر روایات نقل شده از ابوالجارود، از طریق محمد بن بکر ارحبی است. به نظر مادلونگ (ایرانیکا، ذیل «ابوالجارود») این روایات غیر از احادیث روایت شده از ابوالجارود در محافل امامیه است. از اصحاب زیدی ابوالجارود، ابو خالد عمرو بن خالد واسطی (متوفی ۲۵۰)، راوی کتاب المجموع الحدیثی و الفقهی زیدیه به تدوین عبدالعزیز بن اسحاق بقال (متوفی ۳۶۳)، بوده است (شهرستانی، ج ۱، ص ۲۵۹). بنا بر نوشته ابو عبدالله شاذانی، عمرو بن خالد از ابوالجارود در فضیلت زید بن علی و تأیید ضمنی قیام او، از امام باقر علیه السلام حدیثی نقل کرده است (کشی، ص ۲۳۱-۲۳۲).

گزارش خاصی از تداوم جارودیه در منابع موجود نیست و در متون رجال امامیه تنها از احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده* به عنوان محدثی جارودی نام برده شده است (برای نمونه ج نجاشی، ص ۹۴-۹۵). شیخ مفید در رساله المسائل الجارودیه به رد آرای جارودیه درباره امامت پرداخته که احتمالاً مقصود وی از جارودیه، تمام فرقه‌های زیدیه بوده است.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ ابن بابویه، الامالی، قم ۱۴۱۷؛ همو، التوحید، چاپ هاشم حسینی طهرانی، قم ۱۳۹۸؛ همو، کتاب الخصال، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۲؛ همو، کتاب من لایحضره الفقیه، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۴۱۴؛ ابن حزم، الفصل فی الملل و الأهل و النحل، چاپ محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمان عمیره، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵؛ ابن داوود حلّی، کتاب الرجال، چاپ محمدصادق آل بحر العلوم، نجف ۱۳۹۲/۱۹۷۲، چاپ افت قسم [بی تا]؛ ابن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال، چاپ سهیل زکار، بیروت ۱۹۸۸/۱۴۰۹؛ ابن مرتضی، السنیه و الأصل فی شرح الملل و النحل، چاپ محمدجواد مشکور، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰؛ ابن ندیم؛ احمد بن عیسی بن زید، کتاب رأب الصلح، چاپ علی بن اسماعیل صنعانی، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰؛ سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، چاپ محمدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱؛ علی بن اسماعیل اشعری، کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلّین، چاپ هلموت رتر، ویسبادن ۱۹۸۰/۱۴۰۰؛ محمد بن اسماعیل بخاری، تاریخ الصغیر، چاپ محمود ابراهیم زاید، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ همو، تاریخ الکبیر، بیروت: دارالفکر، [بی تا]؛ عبدالقاهر بن طاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره: مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده،

[بی تا]؛ تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام، منسوب به سید مرتضی بن داعی حتی رازی، چاپ عباس اقبال، تهران: اساطیر، ۱۳۶۴ ش؛ عبیدالله بن عبدالله حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، چاپ محمدباقر محمودی، تهران ۱۳۱۱/۱۹۹۰؛ عبدالرحیم بن محمد خیاط، الانتصار والرد علی ابن الراوندی الملحد، چاپ محمد حجازی، قاهره [۱۹۸۸]؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، چاپ عمر عبدالسلام تدمری، حوادث و وفیات ۱۴۱-۱۶۰ هـ، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ محمدکاظم رحمتی، نکاتی در مورد دو کتاب المقالات و الفرق سعد بن عبدالله اشعری و فرق الشیعه منسوب نویختی، کتاب ماه دین، سال ۴، ش ۱۱ و ۱۲ (شهریور و مهر ۱۳۸۰)؛ سمعی؛ محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، چاپ محمد سید کیلانی، قاهره ۱۳۸۷/۱۹۶۷؛ محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱، چاپ افت قسم [بی تا]؛ همو، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۲۰؛ محمد بن سعید عیاشی، کتاب التفسیر، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم ۱۳۸۰-۱۳۸۱، چاپ افت تهران [بی تا]؛ قاضی عبدالجبار بن احمد، المعنی فی ابواب التوحید و العدل، ج ۲۰، چاپ عبدالحکیم محمود و سلیمان دنیا، قاهره، بی تا]؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، بیروت ۱۳۱۲/۱۹۹۱؛ محمد بن عمر کشتی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ کلینی؛ فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، چاپ محمدکاظم محمودی، تهران ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ ویلفرد مادلونگ، «ملاحظات پیرامون کتابشناسی فرق امامی»، ترجمه چنگیز پهلوان، در در زمینه ایران شناسی، به کوشش چنگیز پهلوان، تهران ۱۳۶۸ ش؛ حسین مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر ۱، ترجمه علی قرانی و رسول جعفریان، قم ۱۳۸۳ ش؛ یوسف بن عبدالرحمان میزی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بنار عواد معروف، بیروت: دارالنشر فرانس شاتین، ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ مسائل الامامة، منسوب به ناشئه اکبر، چاپ جوزف فان اس، بیروت ۱۹۷۱؛ مسعودی، مروج (بیروت)؛ محمد بن محمد مفید، المسائل الجارودیه، چاپ محمدکاظم شانهچی، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر بر رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ نشوان بن سعید حمیری، الحورالعین، چاپ کمال مصطفی، چاپ افت تهران ۱۹۷۲؛ حسن بن موسی نویختی، فرق الشیعه، چاپ محمدصادق آل بحر العلوم، نجف ۱۳۵۵/۱۹۳۶؛

Elr.s.v. "Abu'l-Jārūd" (by W. Madelung); Wilferd Madelung, "Frühe mu'tazilitische Häresiographie: das *Kitāb al-Uṣūl* des Ġa'far b. Ḥarb?", *Der Islam*, vol.57, no.2 (1980).

/ محمدکاظم رحمتی /

جاریه بن قدامه، صحابی پیامبر اکرم و از یاران امام علی و امام حسن علیهما السلام. بیشتر منابع (برای نمونه ←